

# پدیده حمله به اندیشه سلفی گری

تألیف:

دکتر عبدالرحمان ابن صالح المحمود

ترجمه:

محمد گل گمشادزهی

عنوان کتاب:

پدیده حمله به اندیشه سلفی گری

عنوان اصلی:

دکتر عبدالرحمان ابن صالح المحمود

تألیف:

محمد گل گمشادزهی

مترجم:

موضوع:

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آدی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على اشرف الأنبياء والمرسلين نبينا  
محمد و على آله و صحبه أجمعين.

حمله به شیوه و مذهب سلف چیز تازه‌ای نیست بلکه قدمت این پدیده به قدمت پیدایش بدعتها و دسته دسته شدن این امت باز می‌گردد و با تقسیم شدن امت به فرقه‌های مختلف هر گروهی مذهب خود را حق دانسته و با مخالفان خود به دشمنی پرداخته است و از آنجا که راه سلف میانه روی و اعتدال بوده، بر خلاف تندروها و جفا پیشه گان و اهل افراط و تفریط، بنا بر این از سوی همه گروه‌های منحرف مورد هجوم و ستم قرار گرفته‌اند و هر گروهی که از صراط مستقیم منحرف شده خشم و کینه خود را نسبت به سلفی گری ابراز داشته است.

اما به لطف الهی چنین مخالفت و هجومی سبب شده تا حق مستحکم‌تر و برتر قرار گیرد و بیشتر منتشر شود و نیز باعث شده تا پرچمداران اندیشه راه سلف از جایگاه والایی برخوردار شوند و در جهان معروف باشند و مورد قبول مردم قرار بگیرند و در ضمن این نزد پروردگار پاداش آنان بیشتر و بهتر خواهد بود.

رسول اکرم ﷺ وقتی از این خبر داد که این امت راه امت‌های پیشین را در پیش خواهد گرفت و دسته دسته خواهد شد، ضمنا فرمان داد که باید از آنچه ایشان ﷺ و اصحابش بر آن بوده‌اند پیروی کرد و به پیروی از سنت خلفای راشدین و چنگ زدن به ان امر نمود و از بدعتها و نوآوری‌ها در دین بر حذر داشت و همه این رهنمودها و فرامین به خاطر خطرناک بودن

این تفرقه‌ها و بدعت‌ها بوده است و از آنجا که هرگروهی ادعا می‌کند که مذهبش بر حق است و بر اساس دلایل قران و سنت شکل گرفته است و یا حداقل قران و سنت با آن تعارضی ندارد، رسول اکرم ﷺ ضمن فرمان به پیروی از سنت خویش و آنچه بر آن بوده است به اطاعت از اصحاب و سنت خلفای راشدین فرمان داده است، این نکته این مسأله را که بعضی بدون در نظر داشت مذاهب و گروه‌هایی که در این امت پدید آمده گمان می‌برند باید بدون توجه به این فرقه‌ها به قران و سنت مراجعه کرد و انگاه امت در دین و عقیده متحد خواهد شد مورد تردید قرار می‌دهد.

این سخنی زیبا و ارزوی هر مسلمانی است اما به شرطی که هر فرقه و گروهی از عقاید انحرافی خود دست بکشد و به قران و سنت بدون تحریف و تاویل و انکار مراجعه کند.

اما واقعیت غیر از این است بنابراین باید راه و روش سلف از راه و روش دیگران متمایز شود، چنانکه پیشوایان از دوران صحابه و تا به امروز چنین کرده‌اند و باید راه و روش سلف نشر و از ان دفاع شود و همه منحرفین و بدعت گذارها رد و اندرز شوند و به توبه و بازگشت به خداوند امر شوند و امت از همه این بدعت‌ها و گمراهی‌ها بر حذر شود، و در ضمن آن عقیده صحیح بیان و توضیح داده شود و بر حسب احوال این بدعت‌ها و انتشار آن و شیوع خطر آن مورد مناقشه قرار گیرند و رد شوند.

**کوتاه سخن ۱:** اینکه رسول اکرم ﷺ خبر داده است که این امت از دیگر امت‌ها تقلید می‌کند و خبر داده که این امت دچار تفرقه خواهد شد، و این اتفاق افتاده است و نمی‌توان آنچه که در این مورد آمده را انکار کرد و کسانی که می‌خواهند به هر صورت و شیوه‌ای که شده امت را گرد هم بیاورند، نمی‌توانند این واقعیت را نادیده بگیرند.

۲: شریعت و تقدیر الهی تضادی ندارند چنانکه ائمه از آن جمله شیخ الإسلام ابن تیمیه بر این تأکید کرده‌اند:

بلکه ما به هر دو ایمان داریم و احادیثی که از رسول اکرم ﷺ در مورد دسته‌دسته شدن این امت آمده را تصدیق می‌کنیم و از شریعت در اجتناب و اعراض از بدعت‌ها و پیروی از آنچه رسول اکرم ﷺ و مردم قرن‌های برتر بر آن بوده‌اند، اطاعت می‌کنیم.

اما اینکه کسی بر اساس اینکه تفرقه امری تقدیری است و باید آن را پذیرفت، دستور شریعت را ملغی نماید و یا بخواهد که تقدیر را ملغی دانسته و به بهانه اینکه خدا و رسول آن را دوست ندارند وجود این تفرقه را نفی کند، چنین تصویری اشتباه واضحی است که باید همه و به خصوص طلاب علم از آن پرهیز کنند.

۳: عقیده و شیوه سلف تا روز قیامت باقی هستند چنان که رسول اکرم ﷺ به ما خبر داده و در حدیث معروفی آمده است که ایشان فرمود: همواره گروهی از امت من بر حق خواهند بود تا فرمان الهی بیاید و اضافه بر این آنچه قبلاً به آن اشاره شد که رسول اکرم ﷺ به پیروی از اصحاب و سنت خلفای راشدین امر نموده است، قاطعانه بر این دلالت می‌کند که باید در هر زمانی از منهج و راه سلف پیروی کرد، از آن جمله این زمان که دورانی پرفتنه و همراه با پدیده جهانی شدن و دارای متغیرات زیادی است.

شیخ الإسلام در اول کتاب (العقیده الواسطیة) عبارتی ذکر نموده که همین مفهوم را می‌رساند او می‌گوید: اما بعد: این اعتقاد گروه رستگار اهل سنت والجماعت تا روز قیامت است، پس اینکه گفته: تا روز قیامت امت را در زمان خود آگاه کرده و گوشزدی است به ما در این زمان و مقتضایش این است که حق یکی است و ماندگار می‌باشد و تغییر نمی‌یابد.

۴: نبرد بین حق و باطل بر حسب زمان و مکان و بر اساس قوت باطل و بر حسب قوت به پا خواستن اهل حق برای انجام وظیفه‌شان شدت می‌یابد، اما سرانجام از آن پرهیزگاران و پیروان سنت پیامبر ﷺ خواهد بود.

این کلمات مختصر را به سه بخش تقسیم کرده‌ام:

قسمت اول: اسباب هجوم به مذهب سلف.

قسمت دوم: مظاهر هجوم بر شیوه و راه سلف.

قسمت سوم: علاج و وسایل آن.

و از خداوند می‌خواهم که این مطالب را سودمند قرار دهد.

قسمت اول: اسباب هجوم بر مذهب سلف صالح: در این ایام حمله به شیوه و راه سلف صالح شدت یافته به گونه‌ای که در دوران اخیر آن را سراغ نداریم، به خصوص در سرزمین حرمین [عربستان سعودی].

اسباب آن مشخص است و برای یادآوری اشاره‌ای مختصر به آن خواهیم کرد، و می‌توان عوامل آن را به دو نوع تقسیم کرد، اسباب عمومی و اسباب خاص.

نخست اسباب عمومی:

- ۱- سنت الهی است که باید حق و باطل در کشمکش باشند.
- ۲- پیروی از هوای نفس.
- ۳- مشتبه بودن حق با باطل برای بعضی از مردم [فتنه شبهات].
- ۴- ضعف تقوا و کثرت تقصیر و کوتاهی ورزیدن و انتشار منکرات [فتنه شهوت‌ها و امیال].
- ۵- بی سوادی و جهالت و پرداختن و وارد شدن در مسایل دین بدون علم و دانش.
- ۶- انجام ندادن وظیفه توسط بعضی از علما و دعوت‌گران.

- ۷- دشمنی یهود و نصارا و ملحدان و منافقین و سکولاریست‌ها و سران بدعت‌گذاران در مسلمین به طور عام و در اهل سنت به طور خاص.
- ۸- جهانی شدن و وسایل ارتباط جمعی و که در نشر باطل و شیوع و ورود آن به همه سرزمین‌های مسلمین و همه شهرها و روستاها و خانه‌هایشان، بجز اماکنی که خداوند مصون داشته است.
- نا گفته نماند که بعضی از وسایل ارتباط جمعی در نشر خیر و عقیده درست و دفاع از آن سهم بسزایی داشته است.

### دوم اسباب خاص:

- ۱- رشد پدیده افراط و تفریط از سویی، بعضی دچار افراط گرایی و غلو شده و مسایل ایمان و کفر را بخوبی نفهمیده‌اند و در نتیجه انفجارهایی روی می‌دهد که دشمنان این عقیده را در داخل کشور عربستان و خارج آن شادمان می‌کند و از سویی بعضی دچار تفریط شده و تحت تأثیر مذهب مرجئه قرار گرفته‌اند تا جایی که در مسائل ایمان خلل ایجاد کرده و بعضی اوقات بعضی از آنان تا جایی پیش رفته‌اند که دین یهود و نصارا و مشرکین را درست شمرده‌اند و از جمله این تفریط خطرناک غلو سکولاریست‌ها در راستای نشر مبادی الحادی‌اشان و مبارزه با ثوابت و اصول دین است.
- ۲- هجوم جهانی صلیبی به اسلام بر عقیده سلف صالح یعنی اهل سنت والجماعت متمرکز شده است و اهل بدعت از جمله رافضی‌ها و صوفیان و امثالشان از هجوم آنان در امان هستند و این هجوم به ویژه بر دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب و بر این کشور [سعودی] متمرکز است به ویژه بعد از واقعه یازده سپتامبر.
- ۳- ظهور سکولاریست‌ها و بدعت‌گذاران [که اسباب مشخصی دارند] و بلند شدن صدایشان در بسیاری از رسانه‌ها که اندیشه‌های خود را

بدون هیچ مانعی اشکارا بیان می کنند و این آزادی آن ها را تشویق کرده تا به سرعت افکار و مذاهب خود را نشر کنند.

۴- موضع رسمی کشور در برابر این اتفاقات ضعیف است تا جایی که بعضی می گویند که این کشور به نوعی از بزرگترین ویژگی اش که عقیده سلفی است دست کشیده است، عقیده ای که قدمت تاریخی آن در اینجا به چندین دهه و صده باز می گردد و این امر ملحدان و هوا پرستان و بدعت گذاران را تشویق کرده تا با صدای بلند به نشر گمراهی های خود بپردازند و به عقیده اهل سنت والجماعت طعنه بزنند و منابع آن و علمای گذشته و فعلی آن را مورد عیب جویی قرار دهند و رد کنند و اهل سنت را دچار ضعف و سستی قرار دهند.

۵- وجود شماری از سرخورده ها و کسانی که به دلایل زیادی به عقب باز گشته اند و پرچم هجوم بر عقیده و شریعت و اصول آن و قواعد معروف علم شرعی را به دوش گرفته اند و سکولاریسم و تباهاکاران از این ها بدترین سوء استفاده را می برند و اندیشه های آنان را در رسانه ها پخش نموده و تکرار می کنند و به آن می افزایند و آنان را تبدیل به پدیده ای فکری نموده اند که بوسیله آن دین الهی را به طور عمومی و راه و روش سلف را به طور خاص نشانه رفته اند.

۶- ظهور مکتب فکری تجدد گرایی، مکتب فکری هواپرستان و بعضی از کسانی که منتسب به عقیده صحیح هستند تحت تأثیر این مکتب فکری قرار گرفته و بعضی از مقوله ها و مبادی آن را ترویج می دهند و این مکتب فکری از خطرناک ترین افکار برای اسلام می باشد و سکولاریست ها و بدعت گذاران معروف همچون رافضه و صوفیه و امثالشان بخوبی این را درک کرده اند، از این رو ارتباط خود را با این مکتب فکر مستحکم نموده و مشغول نشر اندیشه آن هستند و هر

کسی که از آن متأثر باشد و یا پاره‌ای از مقوله‌های آنرا پذیرفته در جایگاه والایی نشان می‌دهند.

۷- عقب نشینی بعضی از کسانی که به عقیده سلف منتسب بوده‌اند و اظهار تمایل به باورهای مخالف آن و گاهی پذیرفتن عقاید مخالف با آن، چنان‌که یکی مذهب معتزله را اظهار می‌دارد و یکی مذاهب اشاعره را تایید می‌کند و یکی به تصوف دعوت می‌دهد و آن را حق می‌شمارد و...

نوع دوم: مظاهر هجوم بر شیوه و راه سلف: از اسباب خاص و عامی که برای هجوم به شیوه سلف در گذشته گفته شد شماری از مظاهر هجوم به عقیده و راه سلف به طور کلی پدیدار می‌شود.

و می‌توان در اینجا تعدادی از این مظاهر را بیان کرد شاید در ترسیم روشن مشکل کافی باشد اما بیان همه مظاهر یا بیشتر آن دشوار است.

از جمله این مظاهر عبارتند از:

هجوم جهانی بر شیوه و راه سلف یا اسلام بوسیله رسانه‌ها به صورتی که قبلاً سابقه نداشته است و این هجوم در محورهای ذیل متمرکز است.

**محور اول:**

هجوم صلیبی و غربی بر اسلام و متهم کردن آن به بنیاد گرایی و خشونت و تروریسم که مظاهر بیشماری دارد ولی خلاصه آن این است که عقیده و شریعت و نشانه‌های اسلام متهم‌اند [حجاب، ریش و... مظاهر اسلامی همه متهم‌اند].

فعالیت‌های اسلامی، مؤسسه‌های خیریه اسلامی و ... همه متهم‌اند و فقط اهل بدعت که صلیبی‌ها از آنان راضی هستند متهم نیستند.

**محور دوم:**

رسانه‌ها به خصوص ایستگاه‌های فضایی که از اهل بدعت پیروی می‌کنند و یا دست اندر کاران آن سکولاریست‌ها و منافقین و مفسدان و دیگر نوکران غرب کافر هستند، این رسانه‌ها جنگ‌هایی پی در پی و با شیوه‌های متنوع علیه عقیده سلف و منابع آن و افراد و ایمه آن در پیش گرفته‌اند و نمونه‌های آن در این ایستگاه‌هایی که به زبان عربی برنامه پخش می‌کنند آشکار است که چگونه فکر انحرافی و بدعت امیز را پخش می‌کنند و بی‌پرده به مبارزه با اسلام و عقیده سلفی به پا خواسته‌اند.

#### محور سوم:

بازافرینی گردهمایی‌ها و پیوندهای جاهلیت در سطح امت، آری بعد از شکست اندیشه سکولاریستی از قبیل چپ‌گراها و نژاد پرستان و امثال آن‌ها، بعضی از این نیروها شروع به منظم کردن صف‌های خود برای مبارزه با اسلام و عقیده صحیح آن نموده و یا می‌خواهند تشکل‌های فکری جدیدی ایجاد کنند.

۱- در لندن و بیروت و عمان و غیره مراکز پژوهشی ایجاد شده که افرادی مشکوک بر آن گماشته شده‌اند و دارای اصول و قواعدی هستند که مخالف راه و عقیده صحیح می‌باشند.

۲- مؤسسه اندیشه عربی در سایه این شرایط ایجاد شده و حمایت مالی می‌شود و افرادی در رأس آن قرار دارد که در کینه توزی و مخالفت با عقیده صحیح معروفند.

۳- علاوه بر این مراکز پژوهش و مطالعات سکولاریستی که از قبل بوده‌اند، با حمایت قوی مالی از سوی قدرت‌های صلیبی و سکولاریستی و غیره باز دوباره خود را سامان داده‌اند.

ب- و از مظاهر هجوم بر این عقیده، شدت و بی‌رحمانه بودن این حملات بر عقیده و شیوه سلف است که در این کشور به جایی رسیده که سابقه نداشته.

و مخالفان آن به شکل بی‌سابقه‌ای جسورانه با آن می‌جنگند.  
به عنوان مثال:

- عقیده سلف را به تکفیری بودن و تروریسم بودن متهم می‌کنند.
  - ائمه معروف و معتبر را به تکفیر و تروریسم متهم می‌کنند.
  - به صراحت به الغای بعضی از اصول عقیده همچون ولاء و براد و نواقض اسلام، دعوت می‌دهند.
  - به صراحت به احیای آثار جاهلیت و غیره دعوت می‌دهند و به بازسازی ضریح و گنبد بر قبرها فرا می‌خوانند.
  - فحش دادن به مقوله عقیده با این ادعا که ما را دچار تفرقه می‌کند، و دعوت دادن به ملی‌گرایی جاهلانه‌ای که خالی از عقیده است.
  - دعوت صریح به سکولاریسم و لیبرالیسم و باور داشتن به آن.
  - به چالش کشیدن امت در مسایل مربوط به زن و دعوت دادن زبانی و عملی امت به شورش علیه دین و شریعت.
  - به خود بالیدن و افتخار کردن به تجددگرایی و پیشی گرفتن از یکدیگر در نشان دادن خود به عنوان پرچمدار آن و دعوتگر به آن.
  - ستایش بی‌سابقه تمدن و فرهنگ و اندیشه و نظام غربی.
  - و نمونه‌های بی‌شمار دیگری هم هست.
- ج- عرض اندام اهل بدعت و بلندشدن صدایشان و به چالش کشیده شدن امت از سوی آن‌ها.

- ۱- اهداف و کارها و نقشه‌های رافضیان بر هیچ کس پوشیده نیست، سخن گفتن در مورد آن‌ها بحث را به درازا می‌کشد و کتاب‌هایی که در مورد آنان و خطرشان نگاشته شده کافی است.
  - ۲- صوفیان آنچه را پنهان می‌کردند اکنون آشکارا می‌گویند و با تمام توانایی خود برای عبور از هر مانعی می‌کوشند تا تصوف و خرافات و بلکه شرکیات صریح خود را منتشر کنند.
- و برخی از فعالیت‌هایشان عبارتند از:
- ۱- اکنون دعوت به تصوف علنی شده و دعوتگزارش آن را پنهان نمی‌دارند.
  - ۲- مقاله‌ها و دلایل و شبهات آنان بر صفحات روزنامه‌هایی همچون المدینه و عکاظ و الوطن و... منتشر می‌شود.
  - ۳- مولود خوانی و مراسم صوفیانه آشکارا در خانه‌ها و استراحتگاه‌ها بر پا می‌شود.
  - ۴- تلاش می‌شود تا آثار در مکه و مدینه احیا شوند و به تعظیم آن و به تبرک جستن به آن دعوت داده می‌شود.
  - ۵- دشمنی آشکار بسیاری از آن‌ها با اهل سنت و اهل عقیده سلفی و متهم کردن آن به اتهاماتی که قبلاً بیان شد.
  - ۶- و آخرین داستان جسارتشان اتفاقی است که در انجمن آدب در مدینه روی داد که یکی از آن‌ها در طی سخنرانی به احیای آثار و تبرک جستن به آن، دعوت داد.
- و اشاعره در میان جوانان اهل سنت به مذهب خود دعوت می‌دهند و پرچمداران این دعوت اشعری‌هایی هستند که مذهب خود را پنهان می‌کردند و اکنون آن را اظهار کرده‌اند و افرادی که سلفی بوده، اکنون اشعری گشته‌اند و سردمداران این دعوت می‌باشند.

و ملاحظه می‌شود که این صنف از اهل بدعت همچون بزرگان خود به تصوف وابسته‌اند و به اصول کلامی دعوت می‌دهند و دشمن سلفی‌ها و کتاب‌هایشان می‌باشند، در صورتی که با بقیه اهل بدعت از در سازش در می‌آیند و همچنین در راستای نشر کتاب‌های اشاعره فعالیت زیاد می‌نمایند. - اندیشه معتزله و جحمی گری اینجا و آنجا سر می‌کشد و کتاب‌ها و افکار آن که متأسفانه تعداد زیادی از عقل گراها و سکولاریست‌ها و غیره به آن معتقدند، نشر می‌شود.

د- ظهور منحرفانی از جمله تجدد گراها و سکولاریست‌ها با مشارب فکری متفاوت و معروفی از قبیل مارکسیسم و لیبرالیسم و بعث و قوم گرایی و غیره.

#### و کارهای ذیل را انجام داده‌اند:

برجستگان آن‌ها بدون خجالت اظهار می‌دارند که آنان پرچمداران اندیشه و فرهنگ و راهنمایی در جامعه هستند، همچنین توانسته‌اند تعداد زیادی از جوانان و روزنامه نگارانی را که تحت تأثیر اندیشه‌هایشان قرار گرفته‌اند جذب کنند و با شیوه‌های مختلف آنان را به خدمت بگیرند تا در مسیر آن‌ها حرکت کنند و متأسفانه اینان آگاهانه یا نا آگاهانه در دام این افکار انحرافی می‌افتند و این ابراز واقعیتی است که روی می‌دهد و گرنه آنان مسئول نوشته‌های خود هستند.

و اینان همچون رافضی‌ها و صوفی‌ها نیازمندند که کسانی از اندیشه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها پیروی کند، اما در زمینه مبارزه با این‌ها تلاش‌هایی انجام می‌شود ولی اگر با خطر بزرگی که این‌ها برای امت و عقیده و شریعت آن دارند مقایسه شود، اندک می‌نماید.

ما به بارزترین مظاهر نشر اندیشه‌شان و جنگ‌شان با عقیده و شریعت و اخلاق دینی اشاره می‌کنیم:

۱- اغلب این سکولاریست‌ها وابسته به تشکل‌های سرّی بوده که در گذشته در کشورهای عربی معروف بوده است، از آن جمله آنچه تشکل فرع الخلیج العربی [بحرین، عمان، کویت و سعودی] نامیده می‌شود.

بارزترین این تشکل‌ها عبارتند از: کمونیست‌ها، بعثی‌ها، حرکت قوم گراهای عرب، ناصری‌ها، قوم گراهای گذشته و تجدد گراها مخلوطی از همه این‌ها هستند گرچه اغلب به سوسیالیزم و لیبرالیسم غربی منتسب هستند. و اغلب این‌ها دارای فکر انقلابی و چپی هستند.

از سویی دیگر حرکت سکولاریسم لیبرال غربی است که مجموعه‌ای از دانش آموختگان در غرب که متأثر از فکر غربی هستند و ابزار غرب می‌باشند، آن را رهبری می‌کنند ملاحظه می‌شود که این‌ها دوباره خود را سامان می‌دهند و بعضی از تشکل‌های سابق خود را احیاء می‌کنند و با همدیگر پیمان می‌بندند و اگر مصلحت شخصی ایجاب کند هر یک از آن‌ها در یک لحظه از آخرین نقطه چپ به آخرین نقطه راست منتقل می‌شود.

- اکنون دیگر اشکارا اندیشه‌های خود را بیان می‌کنند و به تاریخ گذشته اشان که سوسیالیزم و بعثی و غیره بوده افتخار می‌کنند.

[ما از آن بیم داریم که روزی بیاید که هر یک از این‌ها در یک رسانه رسمی بیاید و با تمام افتخار داستان انتساب خود به حزب بعث و یا ناصریه و غیره را توضیح دهد، همانطور که بعثی‌های عراق و سوریه و کمونیست‌های عدن و غیره وقتی دارای دولت و قدرت بودند بودند چنین کردند.]

- آنان مراکز نفوذ خود را به تریبون‌هایی برای نشر افکار انحرافی خود و مبارزه با مخالفان قرار داده‌اند و این قضیه در بعضی از روزنامه‌ها کاملا

واضح است، که از خلال آن جنگ بی‌امانی را علیه عقیده و شیوه سلف و شریعت اسلام به راه انداخته‌اند.

- از طریق نفوذ در وزارت اطلاع رسانی و دیگر وزارتخانه‌ها توانسته‌اند با شیوه کودتا و شورش، اگر نگوییم بر همه، بر اغلب انجمن‌های آدی کشور عربستان سعودی مستولی و چیره شوند.

- حمله بی‌امانی علیه شریعت و اقامه حدود و علیه دستگاه قضایی و قضات و هیئت امر به معروف و نهی از منکر به راه انداخته‌اند. چنان‌که بسیاری از قضایا را به باد تمسخر گرفته‌اند که آخرین مورد، رویت حلال ماه رمضان بود.

- احکام شرعی که از سوی مسئولان زیربط علیه دوستان زندیق آن‌ها صادر شده را بر نمی‌تابند، چون می‌خواهند اصل نظارت در این‌ها را تضعیف کنند و چون خطی برای دفاع از آن‌ها وضع می‌کنند، زیرا اگر احکام اجرا شوند، نوبت آن‌ها هم خواهد آمد.

- بر همایش‌های فرهنگی همچون جنا دریه و نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب مستولی شده‌اند و بوسیله مراقبان در رسانه‌ها توانسته‌اند، کتاب‌های فساد و بی‌بندوباری و اندیشه‌های منحرف را وارد این کشور کرده و پخش کنند و به فروش برسانند و در مقابل با کتاب‌های اسلامی مبارزه می‌کنند و به بسیاری اجازه ورود به کشور را نمی‌دهند.

- در اینترنت و فضای مجازی سایت‌هایی دارند که به صراحت به سکولاریسم و بی‌دینی و مبارزه با دین دعوت می‌دهند و به صراحت دین را به تمسخر می‌گیرند و مطالبی در آن نشر می‌کنند که در روزنامه‌ها و رسانه‌های معروف خود قادر به نشر آن نیستند.

- اما خطرناکترین زمینه‌های فعالیت غربی کردن و فاسد کردن عقیده امت از سوی آن‌ها، مثلث خطرناک سکولاریستی است که عبارت است از:

۱- آموزش، و تلاش برای خالی کردن آن از محتوای اسلامی و تبدیل آن به آموزش سکولاریستی و حمله به شیوه‌های شرعی و نقد کار حفظ و دعوت به اختلاط دختر و پسر و فرستادن جوانان به کشورهای غربی و خواستار تغییر سیاست آموزشی و دعوت به الغای تخصص‌های شرعی از دانشگاه‌ها و فراخوان به حذف کتاب‌های اسلامی و زبان عربی از تخصصات علمی و... بخشی از این مبارزه است.

ب- رسانه‌ها: این‌ها بوسیله رسانه‌ها جهش‌های تبهکارانه سریعی انجام داده‌اند که شامل نشر موسیقی و بی‌حجابی و اختلاط زن و مرد در برنامه‌ها و نشر فکر انحرافی و حمله به دین به شیوه‌های مختلف می‌باشد، ضمناً این در رسانه‌های رسمی است ولی در روزنامه‌ها و رسانه‌های خارجی خیلی بیشتر با دین و عقیده و شریعت و اخلاق امت بازی می‌کنند.

ج- زن، با تمام توان می‌کوشند تا قضیه زن را در همه وسایل ارتباط جمعی به قضیه روز تبدیل کنند.

فاسد کردن زن و بی‌حجاب نمودن آن و اختلاط آن با مردها و شوریدن آن علیه دین و ولی خود، مطالبی است که اینان در هر لحظه و در هر مناسبتی تکرار می‌کنند.

- دعوت کردن به ملی‌گرایی و گفتگوی ملی بدون عقیده، متأسفانه این باعث شده تا اهل بدعت و فرزندان سکولاریسم با تمام جرأت آشکارا اندیشه‌ها و مذاهب خود را بیان کنند.

- خطرناکترین کاری که سکولاریست‌ها و افراد این احزاب انجام می‌دهند ایجاد تفرقه در صفوف اسلامی است که با امور ذیل این کار را انجام می‌دهند:

۱- تمسخر به علما و قضات و هیئت علمای بلند پایه و افتاء و متهم کردن آن‌ها به تعصب و جمود و مسخره کردن آن‌ها.

- ۲- هر کسی را که فتواهای شاذی بدهد برتر نشان می‌دهند و سخن او را که مناسب حال آنهاست نقل می‌کنند و او را به خاطر آن می‌ستایند و وقتی چنین چیزهایی را در روزنامه‌ها می‌گویند، خدا بداند که در تنهایی به آن شیخ چه می‌گویند؟
- ۳- رافضی‌ها و صوفی‌ها و مکاتب فکری عقل گرا و متجدد را می‌ستایند و منتسبان به آن را بر جسته می‌نمایند.
- ۴- در هر مناسبتی به علما و دعوت گران صادق حمله ور می‌شوند و از جایگاهشان می‌کاهند و فضایی ایجاد می‌کنند که با آن‌ها مخالفت شود چنان‌که ردهایی علیه شیخ صالح الفوزان، صالح اللحیدان و مفتی بزرگ و بعضی از دعوتگران انجام گرفته است.
- از جمله مظاهر این جنگ علیه عقیده آموز ذیل است:
- آ- تشویق بازگشتگان، تا جایی که در بسیاری از روز نامه‌ها قلمفرسایی می‌کنند و در بسیاری از میزگردهای رادیویی و تلویزیونی به عنوان اینکه از بزرگترین نویسندگان و اندیشمندان هستند دعوت می‌شوند و این به عقب بازگشتگان بر چند چیز فعالیت خود را متمرکز می‌کنند که عبارتند از:
- ۱- تجربه شخصی خود را از دوران هدایت به صورت دورانی بی‌آرزش و پست ارائه می‌کنند.
- ب- بر اهل خیر و نیکی دروغ می‌بندند و داستان‌هایی دروغین می‌سازند تا اینگونه با این کارها سیمای اهل دین را مشوه نمایند.
- ج- انحراف خود را به عنوان بازبینی فکری و عقلی ارائه می‌کنند و آن را چنان ترسیم می‌کنند که گویا بازگشت به شیوه و راه درست است با اینکه راه و شیوه آنان راهی انحرافی است.
- د- حمله به عقیده و حاملان آن به هر بهانه‌ای و مقاله‌هایشان را فقط به همین زمینه‌ها اختصاص می‌دهند و هیچ مقاله و مصاحبه‌ای از این‌ها نیست

مگر اینکه موضوع اصلی آن حمله به ثوابت و تمسخر به دین و دینداران و برجسته کردن جایگاه بدعت گذاران و گمراهان است.

ه- همکاری با سکولاریست‌ها در این زمینه‌ها و هر یک دیگری را می‌ستاید و آن را برجسته می‌نماید، دل‌هایشان شبیه هم است.

- و از مظاهر و موارد دردناک در دوران اخیر این است که بعضی از منتسبان به علم یا بعضی از جوانانی که بر عقیده درست تربیت شده‌اند، منحرف شده و بعضی از اندیشه‌های بدعت گذاران را پذیرفته‌اند مانند افرادی که به تصوف متمایل شده و آگاهانه یا نا آگاهانه به این مذهب دعوت می‌دهند.

یا مانند افرادی که به تجدد گرایی روی می‌آورند و افکاری ارائه می‌دهند که موافق اصول آن‌هاست.

مانند کسانی که به مذهب اشاعره متمایل شده و به مذهب آن‌ها دعوت داده می‌دهند و مذهب اهل سنت را نادیده می‌گیرند.

متأسفانه اهل بدعت از این دسته شادمان‌اند و در هر انجمن با بیان این طیف و اقوالشان از شادی در پوست خود نمی‌گنجند و از این‌ها برای صحت مذاهب خود و بطلان مذهب و عقیده اهل سنت دلیل می‌گیرند.

و ای کاش اینان [اگر می‌فهمند و می‌خواهند که واقعا از دین و عقیده خود دفاع کنند]، به مقدار جنایت خود بر امت و بر عقیده سلف و صف اسلامی که در آن شکاف ایجاد کرده‌اند، پی می‌برند.

### بخش سوم: علاج و وسیله‌های آن

تردیدی نیست که این دین پیروز است و همانطور که در احادیث آمده همواره گروهی از این امت بر حق خواهد بود و اگر کسی از آن حمایت نکند و یا با آن مخالفت نماید به آن زبانی نخواهد رسید و اینان خواهند بود تا روز قیامت، و همانطور که در مقدمه گفته شد آنچه اتفاق می‌افتد و ما اسباب و

مظاهر آن را ذکر کردیم از دایره سنت الهی در نبرد حق و باطل و اینکه نهایت از آن پرهیزگاران است، بیرون نیست و از آنجا که مؤمنان باید از اسباب استفاده ببرند و به این امر شده‌اند در مقابل این هجوم بر عقیده و شیوه سلف صالح می‌بایست از همه اسباب برای راندن این باطل و تثبیت حق و دعوت دادن به آن استفاده کرد.

بیان تعداد وسایل علاج و راه‌های آن بحث را طولانی می‌کند و برای هر صاحب بینشی مشخص‌اند و هر کسی در اسباب و مظاهر بنگرد تعداد زیادی از وسایل علاج را که شاید تعداد آن از صدتا می‌گذرد، نتیجه‌گیری کند. برای اینکه در این موضوع گسترده مشارکتی داشته باشیم شماری از راه‌های علاج را به اختصار ذکر می‌کنیم، و چه بسا که نزد علمای فاضل بهتر و مهم‌تر و مفیدتر از آن را می‌توان یافت.

#### از جمله وسایل علاج:

۱- ثبات و پایداری مؤمنانی که بر شیوه سلف و بر عقیده‌اشان و راه سلف صالح خود گامزن هستند و این پایداری بر دین نه تنها یکی از واجبات است، بلکه هدف مؤمن در این زندگی است که خداوند او را بر حق تا زمانی که به لقای پروردگارش می‌رود ثابت قدم بدارد. و این وسیله از چند جهت حائز اهمیت است که مهم‌ترین‌های آن عبارتند از:

۱- استقامت و پیامدها و آثار آن در زندگی مسلمان و به هنگام مرگ و در آخرت.

ب- کسی که بر راه و روش خود ثابت قدم می‌ماند او برای ارائه راه و روش خود به مردم و دعوت دادنشان به سوی آن سزاوار است، اما فردی که مرتد است نمی‌توان دیگران را به راه و روش خود قانع کند.

ج- فرد ثابت قدم بر راه و روش الگویی خواهد بود برای دیگران که به او اقتدا خواهند کرد و پر واضح است که هر گاه فرد در هم بریزد یا تغییر کند این ویژگی بزرگ از بین خواهد رفت.

د- به دور ماندن از تمام اثار عقب نشینی و احساس شکستی که قلب و دانش و عمل و دعوت فرد دستخوش آن قرار می گیرد.

۲- صبر و پایداری بر ثابت ماندن بر این راه هر چند احزاب و گروه‌ها علیه آن همدست شوند.

و مسلمان باید ثبات و پایداری مؤمنان را به یاد آورند که روز خندق وقتی همه گروه‌ها علیه آنان همدست شدند آنان ثابت قدم ماندند، چنان که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿۲۲﴾ [الأحزاب: ۲۲] «و هنگامی که مؤمنان لشکرهای [کافران] را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و پیغمبرش راست فرموده‌اند، و این به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود.»

﴿مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿۲۳﴾ [الأحزاب: ۲۳]

«از مؤمنان کسانی هستند که آنچه را با خداوند بر آن پیمان بسته بودند تحقق بخشیدند، پس برخی از آنان قرارشان را به انجام رساندند و برخی نیز در انتظارند و آنان هیچگونه تغییر و تبدیلی [در عهد و پیمان خود] نداده‌اند.»

و پر واضح است که راه و روش سلف در هر وقت یکی بوده و تغییر نمی کرده است و آنان بسوی آن دعوت می دادند و چیزی را تغییر نمی دادند و خود نیز تغییر نمی کردند.

۳- اساس گذاری علمی که بر پایه شیوه علمی کامل پایه گذاری شده است و مشخص است که بزرگترین چیزی که در مقابل باطل و بدعت و انحراف قرار می گیرد دلیل صحیح از قرآن و سنت است. از این رو باید مدارس علم نزد علما احیا شود [مدارسی که نصاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌های نظامی که در بسیاری از شرایط طلب علم مفید خلل ایجاد کرده با اینکه فواید انکار ناپذیری دارد صفای آن را مکدر نکرده باشد] از این رو باید درس‌های علمی که به علم مفید و سودمند توجه دارد به طور کلی و علم کتاب و سنت و عقیده را به طور خاص مد نظر دارد بیشتر شود، به گونه‌ای که علاوه بر طلاب علم همه طیف‌ها بتوانند از آن استفاده ببرند.

و می‌بایست طلاب علم و اساتید در هر کجا یکدیگر را به این امر توصیه نمایند و اگر بجای درس‌های فعلی که اغلب طلاب را سرگردان می‌کنند در هر شهری برنامه‌های درسی با ترتیب و نظم بهتری انجام شود بسیار بهتر خواهد بود.

برنامه‌ای برای تنظیم درس‌های روزانه باشد که در یکی از مساجد بزرگ منطقه ارائه گردد هست که علما مانند دوره‌های علمی در آنجا درس بدهند، ولی این درس‌ها در طول سال به گونه‌ای ادامه یابد که بر علما دشوار نشود.

۴- باید برنامه‌های دعوت‌گرانه‌ای باشد که بر محور عقیده و شیوه درست در استدلال متمرکز باشد و برای این کار باید از همه وسایل استفاده شود که برخی عبارتند از:

- درس‌های علمی چنان که پیشتر گفته شد.
- سخنرانی‌های عمومی.
- همایش و دوره‌ها.
- همایش‌های فکری که در خانه‌ها و مجالس انجام می‌شود.

- سفرهای دعوتگرانه‌ای که در هر جا فعالیت کند و بر عقیده متمرکز باشد.

۵- باید پروژه‌ها و برنامه‌های علمی - وقفی و غیر وقفی - باشد برای نشر کتاب‌های سلف و توزیع آن در داخل و خارج کشور و در مناسبت‌های مختلف از قبیل حج و عمره و غیره.  
 بعنوان مثال باید ده‌ها هزار نسخه از مجموعه فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه چاپ و در سطح گسترده‌ای توزیع شود.

۶- باید کتاب‌ها و یا کتابچه‌هایی منهجی که بزرگترین بخش جامعه مخاطب آن باشد انتخاب شود و صدها هزار از آن چاپ شود تا به هر خانه‌ای برسد.

۷- باید مراکز پژوهشی برای رد و مناقشه هر جا ایجاد شود که:

- برنامه‌های رادیو و تلویزیون را بلا فاصله بعد از پخش مورد تحلیل و مناقشه قرار دهد.

- و مطالبی را که در روزنامه‌ها پخش می‌شود مورد تحلیل و مناقشه قرار دهد.

- و مراکزی برای نشر کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که در ردّ اهل بدعت و مخالفان است و تناقضات آن‌ها وسست بودن دلایلشان را بیان می‌دارد، ایجاد شود.

۸- بخش‌های علمی اسلامی در دانشگاه‌ها در این مورد مسئولیت بزرگی را به دوش دارند، که باید پژوهش‌های خود را بر عقیده و بیان مذاهب معاصر متمرکز کنند.

۹- مجله‌های اسلامی باید در برابر این هجوم بر عقیده و منهج سلف بایستند، با اینکه تلاش‌های قابل تقدیری در این زمینه انجام داده‌اند، امید است بهتر و بیشتر شود.

۱۰- باید چند ایستگاه فضایی مورد اعتماد و قوی ایجاد کرد که در زمینه پخش برنامه‌های مفید نقش مطلوب را بازی کنند و یک رسانه کافی نیست.

۱۱- باید سایت‌ها خیلی خوب بررسی شود و سایت‌های دیگر و ویژه‌ای برای بیان منهج و راه ایجاد شود و در هر سایتی مجموعه‌ای از علما در هر منطقه‌ای کار کنند.

۱۲- موضوعاتی مانند آموزش، رسانه و زن و غیره که به بهانه آن سکولاریسم جنگ فکری علیه ما راه انداخته باید مورد بررسی قرار گیرد تا گمراهی و فریبکاری سکولاریست در مورد آن هویدا شود. بعنوان مثال کتاب (وثيقة المرأة) که چاپ شده می‌تواند اساس پروژه بزرگی در مورد قضیه زن باشد.

۱۳- با وسایل مناسبی باید این‌ها را در نظر داشت و روشن شده که مراقبت نقش بزرگ و ملموسی در بسیاری از امور دارد و باید موضوع منهج و عقیده در رأس این امور باشد.

۱۴- باید این منحرفان را نصیحت کرد، ما می‌خواهیم در هر منطقه که این‌ها وجود دارند، نصیحت و اندرز گویی حجم زیادی داشته باشد تا اینگونه بر آن‌ها اقامه حجت شود و شاید بازگردند و توبه کنند و تا این‌ها بدانند که قضیه به این آسانی نیست.

۱۵- پرده بر داشتن از نقشه‌های این‌ها.

#### بعنوان مثال:

- پرده برداشتن از ارتباط سکولاریست‌ها با دشمنان دین از جمله صلیبی‌ها و غیره.

- پرده برداشتن از ارتباط آن‌ها با روافض و با مراجع مذهبی سیاسی آن‌ها در خارج از کشور سعودی.

- پرده برداشتن از حقیقت تصوف و همگرایی آن‌ها با صوفیان جهان و پرده برداشتن از رسوایی‌های تاریخی صوفیان.

۱۶- مراقبت فعالیت‌های این‌ها بودن، فعالیت‌هایی که برای شکستن موانع عقیده انجام می‌دهند، مانند ضریح ساختن بر قبرها.

۱۷- ردّ منحرفان و اهل بدعت با وسایل ممکن باید همواره ادامه داشته باشد تا بدانند که امت، آن‌ها و باطلشان را نمی‌پذیرد تا فرصت نیابند و ادعای پیروزی نکنند چون آنگاه به باطلی دیگر دعوت می‌دهند.

۱۸- تناقضات این‌ها در هر زمان باید آشکار شود.

**بعنوان مثال:**

تناقضات سکولاریست در ادعای ملی گرایی و حال آنکه از دشمنان صلیبی و غیره حمایت می‌کنند.

**و بعنوان مثال:**

بعضی از این‌ها به سلف حمله می‌کنند با این ادعا که آنان عقل را داور قرار نمی‌دهند اما از طرفی رافضه را با آن خرافات که عقل نمی‌پذیرد، تأیید و بزرگ می‌پندارند.

**و بعنوان مثال:**

بعضی از این‌ها غرب را با دانش و عقلانیت آن می‌ستایند و در ضمن نصارا را با خرافات‌هایشان یا صوفیان را با خرافات‌هایشان می‌ستایند.

۱۹- نشر عقیده صحیح در خارج از کشور وظیفه بزرگی است و در نهایت کمک معنوی مهمی است و عقیده درست یکی است و صدای آن و باورمندانش یکی هستند.

۲۰- تمرکز بر دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب و همکاری محمدبن سعود با او، و این سرزمین با این عقیده سلفی صحیح متمایز شده و این عقیده از آن جدایی ناپذیر است.

۲۱- گرد آوری کتابی که شرح حال ائمه‌ای را در برداشته باشد که در ادوار زمان در مسیر سلف گام بر داشته‌اند و گفته‌هایشان در این مورد نوشته شود، تا همه بدانند که این عقیده فقط مختص ابن تیمیه و یا محمد بن عبدالوهاب نیست بلکه عقیده همه ائمه است.

۲۲- مسایلی هست که مربوط به شیوه سلف در احکام شرعی می‌باشد که اهل بدعت و دعوتگران تاویل و مدعیان روشنفکری و تجدد گرایی به آن می‌پردازند که نیازمند است که گفته‌هایشان مورد رد و مناقشه قرار گیرد.

برخی از این مسائل عبارتند از:

- ۱- بازنگری در تعامل با آیات قرآن کریم و تفاسیر باطلی که این‌ها وارد آن کرده‌اند.
- ۲- پرداختن به مصطلح حدیث و روش استفاده و استدلال از سنت نبوی.
- ۳- بازنگری در اصول فقه و قواعد معروف آن و تلاش این‌ها برای باز کردن با آن و به قواعدی که ائمه در این مورد اساس گذاری کرده‌اند.
- ۴- اسان گیری در شریعت و خلط در آن.
- ۵- مسئله مصالح و مقاصد در شریعت و خلط در آن.
- ۶- میانه‌روی و مدلول و مفهوم درست آن و خلط این‌ها در آن.
- ۷- مسئله فتوا و ترجیح به هنگام اختلاف علما و ادعای این‌ها که حق می‌تواند متعدد باشد.
- ۸- جستجو از رخصت‌هایی که دلیلی ندارد، و جستجوی اقوال شاذ و مرجوح علما.

---

۲۳- در پایان پیشنهاد می‌کنم مرکز علمی مستقلی تأسیس شود که به مسایلی که در صفحات گذشته به آن اشاره شد بپردازد و در مورد آن برنامه ریزی کند.

وصلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه وسلم.